

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

زرقا فروغ
۲۷ می ۲۰۲۰

فمینیست های چپ اسلامگرا

در بحبوحه صلح امریکا با طالبان که در آن حقوق نیمی از پیکر جامعه نادیده گرفته شده بود زنان افغانستان بیرون از کشور در تدارک برنامه ای اعتراضی علیه این صلح ارتجاعی گردیدند. گروهی از زنان خارج کشوری زیر نام "فدراسیون زنان افغان" خواهان قطعنامه مشترک تمام گروه ها و تشکلات خارج کشوری زنان افغانستان در سرتاسر جهان شدند، بعد از ترتیب مسوده قطعنامه و نظرخواهی در مورد آن، هر کسی از جنبه ای نظرات شان را ارائه کردند؛ در بین این نظرات متناقض ترین نظر دیدگاه اعضای همایش اروپائی زنان افغان بود.

به نظر می رسد که بخش عمده رهبری این گروه زنان را بازماندگان حزب دموکراتیک خلق افغانستان تشکیل می دهند، اعضای این گروه ادعا دارند که طالبان مسلمانان واقعی نیستند و باور دارند که بعد از مطالعه عمیق قرآن، دریافته اند که اسلام "واقعی" مقام شایسته ای به زنان قایل شده و ادعای طالبان در مورد حقوق زن در اسلام صرفاً محصول قرائت نادرست آنها از اسلام می باشد.

این بانوان تنها نیستند که چنین می اندیشند بلکه تعداد دیگری از بقایای حزب دموکراتیک خلق و چپ های بورژوا ناسیونالیست دیگر را نیز سراغ داریم که بر مبنای روایت عامیانه رائج در میان مؤمنان بر طبل "اسلام ذات خود ندارد عیبی، هر عیب که است از مسلمانی ماست" می کوبند و تصور می نمایند که با قرائت "زنان" از اسلام، زنان می توانند با توسل به قرآن و دست به دامن شریعت شدن، از گزند مردسالاری در امان بمانند. از نظر این فمینیست ها همه ناهنجاری های حاکم بر زنان، صرفاً محصول ستم مردان بر زنان است.

به باور این جماعت، باورهای حاکم در افغانستان که دین هم به آنها مشروعیت می بخشد، مشکلی برای زنان ایجاد نمی نماید. اگر قانون اساسی افغانستان به گونه ای که است تطبیق گردد، علی رغم تأکید بر عدم تحمل هر قانون دیگر که مخالف احکام شرع باشد، دیگر زنان از ستم مردسالاری رهائی حاصل نموده و آزاد می گردند.

اگر این موضعگیری ها عمدی و آگاهانه برای آمادگی به ورود در فصل جدیدی از مناسبات که بعد از ورود طالبان به صحنه قدرت سیاسی نباشد، توجه این "فمینیست" های اسلامی را به بیان های روشنی در مورد زنان که در قرآن آمده است، جلب مینمایم:

"و زنانی را که از نا فرمانی آنان بیم دارید (نخست) پند شان دهید، (بعد) در خوابگاه از ایشان دوری کنید و (چنانچه تأثیر نکرد) آنان را بزنید" آیت ۳۴ سوره نساء – قرآن کتاب مقدس مسلمانان.

سوره البقره آیه ۲۲۸ وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكُنَّ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِمْ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

باید که زنان مطلقه تا سه بار پاک شدن از شوهر کردن باز ایستند و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند، روا نیست که آنچه را که خدا در رحم آنان آفریده است پنهان دارند و در آن ایام اگر شوهرانشان قصد اصلاح داشته باشند به بازگرداندنشان سزاوارترند و برای زنان حقوقی شایسته است همانند وظیفه ای که بر عهده آنهاست ولی مردان را بر زنان مرتبتی است و خدا پیروزمند و حکیم است.

سوره البقره آیت ۲۲۳ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ زنانان کشتزار شما هستند. از هر جا که خواهید به کشتزار خود درآئید. و (در اعمال نیک) بر یکدیگر پیشی گیرید و از خدا بترسید و بدانید که به نزد او خواهید شد. و مؤمنان را بشارت ده.

به همین ترتیب آیات بیشماری است که به جنس دوم بودن زن در قرآن تأکید می کند. مع الوصف عده ای نجات شان را در لایه های همین آیات جست و جو کرده و بعد از عمری تحصیل و اقامت در غرب به بهانه احترام به عقاید مردم، در برابر سیکولاریسم می ایستند. این امر یدک کشیدن همان شیوه های پوپولیستی و جنایت کارانه حزبی است که به قول فرید مزدک یکی از کادر ها و رهبران آن حزب در خدمت اهداف شوروی سابق با کودتا به قدرت رسید. حزب جنایت کاری که علی رغم ادعای سیکولار بودن، برای اولین بار از بودجه دولت به تعمیر مساجد پرداخته و برای امامان مساجد معاش مقرر نمود.

فمینیست چپ پوپولیست و یا چپ های اسلام گرا، معرف جریان فکری اند که اسلامگرایی را جانشین مبارزات طبقاتی در مبارزه با نئولیبرالیسم نموده اند. این چپ ها با در نظر داشت این که اسلام دین مردم و بیشتر مردم هم تهی دستان اند و وظیفه چپ حمایت از تهی دستان و تمام ارزشهای آنهاست به چنین اقدامی روی آورده اند. این چپ ها در پهلوی این که مذهبی هستند با ناسیونالیسم و ملی گرایی هم مشکلی ندارند.

علت دیگر هم می تواند گذشته استبدادی و کارنامه سیاه این چپ ها از زمان حکومت داری شان باشد که امروز با ترس از قدرت اسلام سیاسی در منطقه در صدد احیای دوباره شان با روپوش مذهبی هستند. که بدین ترتیب این هم نوع دیگر اسلام سیاسی است که فمینیست های چپ بورژوا ناسیونالیست از آن برای پیشبرد اهداف شان استفاده می کنند. فمینیسم چپ اسلامی بیش از آن که تقابلی علیه پدرسالاری دینی باشد، جبهه ای علیه فمینیسم سکولار است.

آنان اقتدار دین را مبنای عدالت بین زن و مرد قرار می دهند که براحتی می تواند خواست برابری زن و مرد را آسیب پذیر کند. فمینیست های سکولار با آن که ریشه ستم بر زن را در مناسبات حاکم اجتماعی که محصول یک سیستم است نمی بینند، اما از اصالت انسان آغاز می کنند؛ درحالی که این تیپ فمینیست ها اصالت را با خدا و تقدیر ازلی و خرافات در پیوند می دانند و در تلاش اند تا مبارزات زنان را درین راستا عیار کنند و به جای زمینی انگاشتن مسأله زنان در افغانستان سرنوشت آنان را به تقدیر آسمانی گره می زنند که این خود تناقض در امر مبارزه برای رهایی زنان است. دقیقاً این هم با خواست های طالبان در قبال زنان تفاوت زیادی ندارد.

موضع گیری و دیدگاهی را که این زنان در صدد تعمیم آن هستند آب در آسیاب طالبان می ریزد. آنها از حقوق زنان به دفاع بر می خیزند، بدون آن که مشخص کنند منظور شان از کدام حقوق زنان است؟ حق حضانت فرزندان شامل حقوق زنان می شود؟ آیا حق گرفتن میراث برابر با مردان، حق طلاق و حق سقط جنین برای آنان ارزشی دارد؟ آیا از حق آزادی انتخاب صحبت می شود؟ انتخاب شغل، انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب نوع پوشش هم از دیدگاه آنها حقی است

که باید از آن دفاع گردد؟ آیا از تساوی حقوقی و رفع تبعیض جنسیتی سخن گفته می شود یا نه؟ آیا از سهم و فعالیت اجتماعی زنان صحبت می شود یا نه؟ اگر پاسخ به این مطالبات نه باشد، در چنین شرایطی روشن است که این تشکلات بیشتر از آزادی زنان به برد سیاسی و به دست آوردن امکانات در دولت آتی که طالبان هم جزء آن باشد، فکر می کنند. بالاخره، روشن بگویم که پروژه فمینیست های چپ پوپولیست اسلامی بیشتر تابعی از باورها و متأثر از اقتدار دینی و اسلام گرایی سیاسی است.



این زنان باز هم در آخر خط آزادی زنان و مبارزه برای حقوق زنان را به مجالس تمکین به اقتدار پدران دینی و لویه جرگه های سران قبیله راجع می کنند و از ایشان تقلای آزادی می کنند و این تصادفی نیست، زیرا در عقب همه این تشکلات نیروهای مردانه ایست که عقاید پدرسالاری را به خورد اینها می دهند. بیان یکی از دوستان از جریان صحبت با خانمی که گویا در شوروی سابق درس طبابت خوانده است، گواه روشنی بر این از خود بیگانگی است.

خانم دکتر می گوید: "بعضی از حقایق را که در قرآن تذکار داده شده اند، در جریان درس و کار شان عملاً تجربه کرده اند. از جمله این که همان گونه که در قرآن آمده است، "نطفه انسان از لخته خونی تشکیل شده است" که ایشان عملاً آن را مشاهده کرده اند ("نقل به معنی)